ادامه از صفحه اول

اختلاف دیدگاه درباره تأثیر برجام

زمانی که تحریم‌ها اعلام رسمی شد، بانک‌های بزرگ و معتبر در کشورهای غربی صرف‌نظر از اینکه کدام بانک‌های ایران مشمول تحریم هستند، ارتباطات کاری خود را با سیستم بانکی ایران قطع کردند و در ادامه به تبعیت از این بانک‌های معتبر، تقریبا تمام بانک‌های دنیا، همه بانک‌های ایرانی را در فهرست بلاک‌شده خود قرار دادند.

نکته حائز اهمیت دراین‌میان این است که تحریم سوییفت و تحریم بانک‌ها دو مقوله مرتبط، ولی متفاوت هستند. سوییفت یک کانال ارتباطی بین بانک‌ها برای اطمینان از صحت محتوا و مسیر ارسال پیام‌های آنهاست؛ بنابراین با تحریم سوییفت عملا کانال ارتباطی پیام‌رسانی بین بانک‌های ایرانی و بانک‌های بین‌المللی از بین رفت. از طرفی صرف نظر از وجود یا نبود این کانال ارتباطی، تمایل‌نداشتن بانک‌های خارجی به ادامه همکاری با بانک‌های ایرانی حائز اهمیت بیشتری بود؛ به‌طوری‌که با مروری بر روند تحریم‌ها مشاهده می‌شود، حتی قبل از تحریم سوییفت، بسیاری از بانک‌های بین‌المللی حاضر به ادامه همکاری با بانک‌های ایرانی نبودند؛ بنابراین تحریم سوییفت موضوعی مرتبط ولی متفاوت با همکاری‌نکردن و تحریم فعالیت‌های بین‌بانکی از سوی بانک‌های خارجی است.

بعد از توافق هسته‌ای، مکانیسم سوییفت برای سیستم بانکی ایران مجددا راه‌اندازی شده و در نتیجه بانک‌های ایرانی می‌توانند پیام‌های خود را به سایر بانک‌ها، چه داخلی و چه خارجی، ارسال کنند؛ ولی براساس آنچه گفته شد، موضوع مهم‌تر، اعتماد مجدد بانک‌های خارجی به ایران و بانک‌های ایرانی و تمایل همکاری آنهاست.

در شرایطی که قریب ۱۰ سال، تحریم مشکلات عدیده‌ای را برای زیرساخت‌های اقتصادی کشور و بانک‌ها ایجاد کرده و حدود پنج تا شش سال است که ارتباط سیستم بانکی ایران با بانک‌های خارجی قطع است، باعث ایجاد تغییرات بسیار در ساختار مالی بانک‌ها و تنوع تعهدات آنها شده و رفتار سیاسی کشور نیز به دلایل مختلف هنوز ثبات کافی ندارد، انتظار ارتباط و همکاری بین بانک‌های داخلی و خارجی در چند ماه پس از اعلام توافق، به تبع ماهیت احتیاطی بانک‌ها، دور از انتظار است.

از سوی دیگر باید توجه داشت در ایجاد روابط کارگزاری و همکاری بین بانک‌ها، شرط لازم ثبات سیاسی و اقتصادی کشورها و شرط کافی ساختار بهینه و مناسب مالی بانک‌هاست. بسیاری از بانک‌های خارجی درحال‌حاضر در حال رصد رفتار سیاسی ایران بعد از برجام هستند. از طرفی انتخابات آمریکا و رفتارها و گفتارهای کاندیداها و همچنین برخی تحرک‌های ضدبرجام در داخل کشور، تماما می‌تواند بر این شرط لازم، تأثیر بگذارد. حتی اگر فرض شود این شرط لازم (ثبات سیاسی و اقتصادی) محقق شده و هیچ تغییر عقیده‌ای در طرفین توافق ایجاد نشده و همه موافق تحقق شرایط برجام باشند، اجرای شرط کافی (ساختار مالی مناسب و بهینه بانک‌ها) در برخی موارد ماه‌ها طول می‌کشد؛ چراکه با نگاهی به ساختار مالی بانک‌های کشور، مشاهده می‌شود بسیاری از بانک‌ها از ساختار مالی نامناسبی برخوردارند و بانک‌های بزرگ دنیا حاضر به همکاری با این بانک‌ها نخواهند بود. در این شرایط انتظار برقراری رابطه کارگزاری با بانک‌های بین‌المللی و معتبر، در زمان بسیار کوتاه بعد از توافق بسیار دور از انتظار است.

نتیجه آنکه رونق اقتصادی یک تصمیم لحظه‌ای نیست؛ بلکه پروسه‌ای چندین‌ساله است که تابع تحقق بسیاری از فاکتورهاست و ایجاد شرایط مناسب برای این متغیرها به منظور دستیابی به سطح اقتصادی معقول با درنظرگرفتن رفتارهای سیاسی و شرایط استراتژیک کشور، ممکن است چندین سال طول بکشد. واقعیت این است که اگر هیچ اتفاق سیاسی منفی‌ای نیفتد، مدت‌ها زمان نیاز دارد تا شاهد آثار مثبت و دلخواه برجام بر اقتصاد کشور باشیم.

بنا بر آنچه گفته شد به‌خوبی روشن است که نه نقدهایی که بر برجام می‌شود درست است و نه انتظاراتی که برخی از مسئولان دولتی در دفاع از برجام ایجاد می‌کنند، در عمل و در کوتاه‌مدت، تحقق پیدا خواهد کرد.

اصلاح‌طلبان و انتخابات مجلس دهم

درحالی‌که اصلاح‌طلبان از یک اصطلاح شناخته‌شده در عرصه رقابت سیاسی به نام «حمایت» استفاده کرده و به صراحت گفته‌اند: نظر به اینکه در بخشی از حوزه‌های انتخابیه نامزدهای شناخته‌شده اصلاح‌طلب اجازه رقابت نیافته‌اند از نامزدهایی با سه ویژگی: ۱) دارای گرایش فکری و تمایل شخصی به مشی اصلاح‌طلبی و عدم‌سابقه ضدیت با آن، ۲) دارای موضع حمایتی از سیاست‌های خارجی، داخلی و برنامه‌های اقتصادی دولت تدبیر و امید و ۳) عدم وابستگی عملی، علنی و تشکیلاتی به جریان اصولگرای افراطی ضداصلاح و تغییر، «حمایت» خواهند کرد. به تعبیر دیگر اصلاح‌طلبان از نامزدهایی که مناسب شرایط کنونی کشور هستند حمایت می‌کنند گرچه اصلاح‌طلب پررنگ و نامزد مطلوب حداکثری نباشند!

ادامه در صفحه ۱۰

مدیر کل مبادلات ارزی بانک مرکزی: در دولت قبل با بانک‌های طراز اول اروپا قطع ارتباط شد

سفره رنگین احمدی‌نژاد برای دو بانک

عکس: Gettyimages

شرق: شیفت از بانک‌های طراز اول جهان به بانک‌هایی با رتبه پایین و صرافی‌ها تنها کاری بود که در زمان تحریم برای نقل‌وانتقال پول می‌توانستیم انجام دهیم. دیگر انتخابی در کار نبود و ایران امکان بررسی اعتبار بانک‌ها را نداشت. در اوج تحریم‌ها در بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ابتدای ۲۰۱۶، کار به جایی رسیده بود که دو بانک «هالک‌بانک» ترکیه و بانک «آو کنلن» چین فقط کارگزاری نقل‌وانتقالات پولی ایران را برعهده می‌گرفتند و وقتی در این نقل‌وانتقالات ذی‌نفع نبودند، کارمزدهای بالایی را از ایران طلب می‌کردند. چنین بود که کارمزدهای چهار تا پنج درصدی در «هالک‌بانک» و ۱۲درصدی در «آو کنلن» امری معمول بود تا اینکه پای صرافی‌ها به مبادلات باز شد و کارمزدهای ۲۰ درصدی هم به واردکنندگان تحمیل شد. مهدی کسرایی‌پور، مدیرکل اداره عملیات ارزی بانک مرکزی در گفت‌وگوی خود با «شرق» با بیان این مطالب، اشاره‌ای هم به دولت قبل می‌کند. او می‌گوید: «همیشه خراب‌کردن خیلی راحت است؛ اما این درست‌کردن و اعتمادسازی است که زمان می‌برد. اعتمادی فروریخته، حالا باید این دیوار را از نو چید. قطعا این کار زمان‌بر و مستلزم پشتکار است، هم در سطح وزارت خارجه، هم در سطح بانک مرکزی و خود بانک‌ها که باید تلاش کنند تا بتوانیم از این وضعیت بیرون بیاییم. رابطه کارگزاری، کلید صفر و یک نیست که اگر یک را بزنیم همه چیز عادی و اگر صفر را بزنیم، همه چیز خراب شود».

مبادلات ارزی در دولت اصلاحات چگونه بوده و با کدام بانک‌ها رابطه داشتیم؟

تا پایان دولت اصلاحات یعنی تا پایان سال ۸۴ کارگزاران بانکی ما طراز اول بودند. یعنی ما در هر کشور اروپایی، با آن بانکی که بهترین رتبه را داشته رابطه کارگزاری برقرار کرده بودیم. مثلا ما در آلمان سه بانک تراز اول این کشور با نام‌های درسدنربانک، کمرزبانک و دویچ‌بانک رابطه کارگزاری داشتیم. در فرانسه، بانک‌های کردیت‌لیونه، بی‌ان‌پی پاریبا، کردیت اگری کل و دیگر بانک‌های طراز اول این کشور، کارگزاری بانک‌های ایرانی را می‌پذیرفتند. در انگلستان بانک‌هایی مانند بارکلیزبانک، استاندارد‌چارتر و اچ‌اس‌بی‌سی، کارگزاران تراز اول ما بوده‌اند. مثلا در ایتالیا رابطه کارگزاری ما با بانک ناسیونال دلاورو یا همان بی‌ان‌ال برقرار بود. در سوئیس کریدیت سوئیس و بانک یوبی‌اس سوئیس که دو بانک طراز اول این کشور محسوب می‌شوند، کارگزاران ما بودند. اگر تراز تجاری ایران در آن زمان را بررسی کنید بیشتر مراوده تجاری ما با کشورهای اروپایی آلمان، ایتالیا و فرانسه بوده است. بعد از آن در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در دولت آقای احمدی‌نژاد، کم‌کم شرایط سخت‌تر شد. اتحادیه اروپا و سازمان ملل قطع‌نامه‌هایی وضع کردند که شرایط را محدودتر کرد. از این به‌بعد بانک‌های طراز اول شروع به قطع روابط کارگزاری خود با ما کردند و ما به سمت کارگزاران درجه‌دو رفتیم. پس از مدتی شرایط سخت‌تر شد اما ما در همان کشورها کماکان کار می‌کردیم و به سمت کارگزاران درجه‌سه رفتیم. نهایتا از سال ۲۰۱۲ (دی‌ماه ۹۱) شرایط از همیشه سخت‌تر شد و سوییفت سرویس‌دهی خود را به بانک‌های تحریمی قطع کرد. به‌تدریج از روی ناچاری به سمت کارگزارانی سوق پیدا کردیم که در شاخص‌هایی همچون میزان سرمایه و دارایی چندان بزرگ نبودند و از نظر رتبه‌بندی نیز رتبه پایینی داشتند و در آخر هم در اروپا به هالک‌بانک ترکیه و در جنوب‌شرق آسیا هم بانک آو کنلن چین کارگزاران اصلی بانک مرکزی شدند. بانک‌های تجاری هم هرکدام در این وضعیت بغرنج و پیچیده به‌دنبال این بودند که به‌هرحال رابطه کارگزاری خود را حفظ کنند اما قطعا بانک‌های تراز اول دیگر به آنها هم سرویس‌دهی نداشتند و مجبور شده بودند به سمت کارگزارانی بروند که از نظر اعتباری چندان نمره‌های بالایی نمی‌گیرند. کار به جایی رسید که با بانک‌هایی که کار کردیم دیگر بحث وضعیت اعتباری آنها چندان مهم نبود. مهم این بود که اولا منابع و پول نفت ما را بتوانند در خارج از کشور دریافت کنند و دوما از محل پولی که آنجا متمرکز می‌شد، دستور پرداخت‌های ما را به سایر نقاط، نه منحصرا در همان کشور، صادر کنند. مثلا ما با هالک‌بانک ترکیه که همکاری می‌کردیم مشکلاتی هم داشتیم.

بانک‌هایی که هنوز حاضر به پذیرش کارگزاری ما بودند مانند هالک‌بانک، سوءاستفاده‌هایی نیز از ایران داشتند؟

این بانک‌ها همه پرداخت‌ها را انجام نمی‌دادند؛ معمولا پرداخت‌هایی را که در کشور خودشان بود با اقبال بهتری انجام می‌دادند. اگر ذی‌نفع پرداخت حواله ما یا ذی‌نفع ال‌سی ما یک شرکت ترکیه‌ای باشد این را معمولا انجام می‌دهند چراکه پرداخت در کشور خودشان اتفاق می‌افتد، اما اگر قرار بود کارگزاری ایران را برای کشورهای دیگر انجام دهند، مشکلات شروع می‌شد. طبیعتا رابطه بانک‌های تراز اول اروپایی با ما قطع شده بود و نمی‌توانستیم این سرویس را از یک بانک اروپایی بگیریم. سراغ بانک‌هایی می‌رفتیم که با ما کار می‌کردند. ما دو بانک بیشتر نداشتیم. هالک‌بانک ترکیه و بانک آو کنلن چین تنها کارگزاران ما بودند. برای اینکه کشورشان ذی‌نفع نبود، اولا همه دستور پرداخت‌ها و ال‌سی‌های ما را اجرا و ابلاغ نمی‌کردند و بعضا هم اگر اجرا می‌کردند در قبال آن، کارمزدهای بالا می‌گرفتند. مثلا در ترکیه کارمزد چهار-پنج درصد و در چین کارمزد ۱۰-۱۱ و شاید ۱۲ درصد بوده است.

چینی‌ها سخت‌تر می‌گرفتند؟

بله. سخت‌گیری‌ها تا حدی بود که خیلی از تجار ما سراغ صرافی‌ها رفتند. قبلا در انتقالات بانکی، هزینه و کارمزد بالایی نداشتیم. سال‌های قبل از ۸۴ را در نظر بگیرید. وقتی ما نزد بانک‌های بلژیک، اتریش، فرانسه و... حساب داریم، مشتری مراجعه می‌کند، ما ال‌سی باز می‌کنیم یا حواله می‌کنیم و حداکثر هزینه و کارمزدهایی که طبق مقررات خودمان تعریف شده بود، پرداخت می‌شد که اغلب زیر یک درصد بود. اما وقتی در شرایط تحریم هستیم، به‌خصوص قبل از اجرای برجام، واردکنندگان ما ۱۲ درصد و حتی بیشتر هم کارمزد پرداخت کرده‌اند؛ چون از کانال صرافی انتقال پول خود را انجام داده‌اند. ریسک و هزینه‌های کانال صرافی هم قطعا بسیار بیشتر از هزینه‌های بانکی است. بعضا در اوج تحریم‌ها در بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ابتدای ۲۰۱۶، کارمزد تا ۲۰ درصد هم به واردکنندگان تحمیل شده است. در اواسط سال ۹۱ هم قیمت ارز تقریبا سه‌برابر و اوضاع بسیار نابسامان‌تر شد و هم هزینه‌ها و کارمزدهای نقل و انتقالات یک دفعه متأثر از آن، افزایش یافته بود و هم باعث شد هزینه‌های بسیار زیادی به تجار و تولیدکنندگان تحمیل شود.

ریسک کانال صرافی‌ها برای تجار چگونه بود؟

امن‌ترین مسیر انتقال ارز، کانال بانکی است؛ بانک مسیر و چارچوب مشخصی برای نقل‌وانتقال پول دارد. بانک‌ها قبل از برقراری رابطه، بانک کارگزار را ارزیابی می‌کنند تا مطمئن شوند از نظر رتبه‌بندی و اعتبار، بانک مورد نظر مطمئن و معتبر است. حتی در خود بانک مرکزی هم اداره‌ای تحت عنوان اداره مطالعات و سازمان‌های بین‌المللی داریم که بانک‌ها بعضا برای برقراری رابطه با بانک‌های خارجی، از این اداره استعلام می‌گیرند. طبیعتا بانک هر کسی را برای روابط کارگزاری خود انتخاب نمی‌کند و بحث کارمزدها هم تعریف شده است و هم بانک مرکزی روی این کارمزدها اشراف و نظارت دارد؛ اما در بحث صرافی‌ها این‌طور نیست. اگر گفتند کارمزد پنج یا ۱۰ درصد یا بالاتر، مشتری باید تابع خواست آنها باشد. مسیر انتقال هم مسیر امنی نیست. مشتری، پول را به صراف می‌دهد و ذی‌نفع را معرفی می‌کند و بقیه کار برای مشتری شفاف و واضح نیست؛ اما اگر از بانک بپرسید که انتقال پول شما به فلان‌کشور را از چه مسیری انجام می‌دهد به راحتی به شما می‌گویند. در نقل‌وانتقالات بانکی هم هزینه و هم مسیر کاملا مشخص است اما در بحث صرافی‌ها، آشفتگی دیده می‌شود.

نکته

• در ترکیه کارمزد چهار،پنج درصد و در چین کارمزد ۱۰-۱۱ و شاید ۱۲ درصد بوده است

• از سوی صرافی‌ها در اوج تحریم‌ها کارمزد تا ۲۰ درصد هم به واردکنندگان تحمیل شده است

در مذاکرات ایران با ۱+۵، دستاورد برجام حاصل شد و به سبب آن بسیاری از تحریم‌ها علیه ایران از جمله تحریم سوییفت برداشته شد. این اتفاق تا چه اندازه به روابط بانکی ایران با دیگر کشورها کمک کرد؟

اول باید در نظر داشته باشیم سوییفت هیچ‌وقت در ایران به‌طور کامل قطع نبوده است. حتی در اوج تحریم‌ها یعنی از ۲۰۱۲ تا اجرای برجام در ابتدای ۲۰۱۶ تعدادی از بانک‌های خصوصی و دو بانک دولتی به شبکه سوییفت وصل بودند و در صورت لزوم از آن استفاده می‌کردند. سوییفت یک بحث است و بحث رابطه کارگزاری با بانک‌ها بحث دیگری است. ما اول باید دنبال این باشیم که رابطه کارگزاری با بانک‌های کشورهایی که فکر می‌کنیم مشتریان ما بیشترین مراوده تجاری را با آنها دارند، برقرار کنیم. وقتی بانک‌های نوپا و تازه‌تأسیس از بانک مرکزی مجوز فعالیت ارزی می‌گیرند، بررسی می‌کنند تجار ما با کدام کشورها مراودات تجاری بیشتری دارند بعد با کارگزاران بانکی وارد مذاکره می‌شوند و برای رابطه کارگزاری به توافق می‌رسند. مثلا یک بانک ایرانی با یک بانک ترکیه‌ای مذاکره می‌کند و قرار می‌شود بانک ایرانی نزد بانک خارجی حساب یورو یا لیر ترکیه باز کند و رابطه کارگزاری داشته باشند. وقتی یک مشتری درخواست صدور یک حواله یورویی در ترکیه دارد بانک ایرانی باید پیامی به کارگزار ترکیه‌ای بفرستد. فعلا بهترین ابزار برای ارتباط بین بانک‌ها، سوییفت است. سوییفت یک ابزار ارتباطی است که در آن مزایایی زیادی وجود دارد. هم پیام‌ها استاندارد هستند، هم هزینه‌ها پایین است، هم سرعت دارد و هم قابلیت دسترسی در همه ساعات و روزها وجود دارد. مهم‌تر از همه هم امنیت است؛ از سال ۱۹۷۷ که اولین پیام بین‌بانکی با سوییفت منتقل شده تاکنون حتی یک پیام گم یا هک نشده است. البته ابزارهای دیگری مانند فکس، تلکس و نامه هم برای ارتباط بین بانک‌ها وجود دارد. سوییفت همه چیز نیست؛ بانک ایرانی قبل از اتصال به شبکه سوییفت باید بتواند با بانک خارجی مورد نظر خود به توافقی برسد که رابطه کارگزاری داشته باشد. اگر این توافق حاصل شد در گام بعدی باید مسیر تعامل مشخص شود که هر دو بانک به نتیجه می‌رسند از سوییفت استفاده کنند؛ رمز سوییفتی مبادله می‌شود، از آن به بعد می‌توانند پیام‌های رمزدار را در یک بستر امن و سریع منتقل کنند. حقیقت آن است که اجرای برجام برای روابط بانکی ایران بسیار خوب بود. آنچه مهم است اینکه بتوانیم روابط کارگزاری‌ای را که قبل از تحریم داشتیم، دوباره از نو ایجاد کنیم. دوباره سراغ بانک‌های تراز اول آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلستان و... برویم و روابط کارگزاری ایجاد کنیم.

دراین‌زمینه موفق بوده‌ایم؟

دراین‌زمینه بانک‌های تراز اول اروپایی نگران هستند. این بانک‌ها به واسطه رابطه با ایران و برخی از کشورهای دیگر، مشمول جریمه‌های سنگینی از سوی آمریکا شده بودند. بانک‌هایی مانند بی‌ام‌پی پاریبا، بانک استاندارد چارتر، اچ‌اس‌بی‌سی و بانک‌هایی در آلمان و ژاپن جرائم سنگینی متقبل شده‌اند. اروپایی‌ها نگران هستند که اگر دوباره فعالیت خود را با بانک‌های ایرانی از سر بگیرند از طرف آمریکا (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا) مجددا جریمه شوند؛ بنابراین هنوز آن رابطه کارگزاری با این بانک‌های تراز اول شکل نگرفته است اما با بانک‌های پایین‌تر این مذاکرات درحال انجام است. این مسئله در سطح وزارت خارجه و تیم‌های مذاکره‌کننده ایرانی باید پیگیری شود و با کشورهای هدف صحبت و رایزنی کنند و موضوع را از کانال مذاکرات سیاسی پیش ببرند. درحال‌حاضر هم رئیس‌کل بانک مرکزی ایران هم در آمریکا برای شرکت در اجلاس بهاره صندوق بین‌المللی پول حضور دارد و با وزیر خزانه‌داری آمریکا هم مذاکره کرده‌اند که حداقل این اطمینان خاطر از طرف آنها به بانک‌ها داده شود که اگر در چارچوب برجام با ایران کار کنید، جرائمی متوجه شما نمی‌شود. اگر خیال بانک‌ها راحت شود، آن وقت قطعا این ایجاد روابط کارگزاری سرعت می‌گیرد و به سمت شرایط نرمال می‌رویم. همیشه خراب‌کردن خیلی راحت است اما این درست‌کردن و اعتمادسازی است که زمان می‌برد. دیوار اعتمادفرو ریخته، حالا باید این دیوار را از نو چید؛ قطعا این کار زمان‌بر و مستلزم پشتکار است. هم در سطح وزارت خارجه، هم در سطح بانک مرکزی و خود بانک‌ها باید تلاش کنند تا بتوانیم از این وضعیت بیرون بیاییم. رابطه کارگزاری کلید صفر و یک نیست که اگر یک را بزنیم همه چیز نرمال و اگر صفر را بزنیم همه چیز خراب شود.

آیا موفقیت‌آمیز بوده و شرایط از زمان تحریم بهتر شده است؟

بله قطعا. بانک از این منظر نگاه می‌کند که می‌تواند پول انتقال بدهد یا نه. قطعا به نسبت شرایط تحریم، وضعیت بهتری داریم. ما یک‌سری روابط کارگزاری ایجاد کرده‌ایم و بخشی از منابع بلوکه‌شده‌مان را نیز انتقال داده‌ایم.

با کدام بانک‌ها و کشورها؟

ژاپن، کره جنوبی، روسیه، چین و در اروپا، ایتالیا، بلژیک، اتریش، آلمان و اسپانیا بانک‌هایی داشتیم که با آنها آر.ام.ای مبادله کرده‌ایم. روسیه و چین با وجود اینکه به نوعی شریک ما محسوب می‌شدند اما بانک‌های آنها خیلی همکاری نمی‌کردند. تا دو روز پیش که من بررسی می‌کردم بعد از شرایط تحریم با ۵۰ تا ۶۰ بانک آر.ام.ای سوییفت مبادله کرده‌ایم یعنی می‌توانیم با این بانک‌ها پیام رمزدار مبادله کنیم. البته لزوما مبادله آر.ام.ای، به معنی داشتن حساب نیست.

به چه معناست؟

به این معناست که ما با آنها می‌توانیم در سوییفت پیام رمزدار مبادله کنیم.

صرفا کانال ارتباط ما برقرار شده اما پولی مبادله نشده است؟

مبادله هم شده است. پیام سوییفت هم دادیم و ال‌سی هم باز کردیم اما نه اینکه بگوییم حتما در تک‌تک این ۵۰،۶۰ بانک حساب باز کردیم. چون ممکن است ضرورتی هم نداشته باشد که نزد همه آنها حساب باز کنیم اما برای مثال اگر ال‌سی داشته باشیم، می‌توانیم از کانال اینها ابلاغ کنیم.

دولت احمدی‌نژاد تا چه حد اعتبار بانک‌هایی را که با ایران در زمان تحریم‌ها تعامل داشتند در سطح جهانی کاهش داد؟

وقتی کم‌کم قطع‌نامه‌هایی از طرف شورای امنیت برای ایران وضع شد، طبیعتا واحدهای کامپلاینس بانک‌ها به‌راحتی رابطه کارگزاری را با هر بانکی توصیه نمی‌کردند. بررسی می‌کنند که اگر رابطه کارگزاری برقرار شود یا ادامه داشته باشد، چه ضررهایی را می‌تواند متوجه منافع آن بانک کند. این بانک‌ها طبیعتا وقتی می‌دیدند روزبه‌روز قطع‌نامه‌های بیشتری علیه ایران وضع می‌شود و این قطع‌نامه‌ها واقعا هم کاغذپاره نیست و اثرات خود را دارد، روابط خود را با ما قطع می‌کردند. برخی از آنها به واسطه روابطی که با ایران داشتند، جریمه شدند اما اینکه چقدر این مسئله باعث پایین‌آمدن رتبه آنها شده، نیازمند تحقیق و بررسی است.

پس رتبه‌شان پایین آمده است؟

وقتی نگران کارکردن با چنین کشوری هستند، طبیعتا روابط خود را با یک معذرت‌خواهی قطع می‌کنند. در مقاطعی می‌گفتند متأسفانه ما نمی‌توانیم روابط کارگزاری داشته باشیم و امیدواریم روزی این روابط از نو احیا و برقرار شود. اینکه کارکردن با ایران چقدر روی رتبه اعتباری و رتبه بانک‌ها تأثیر داشته است، من آماری ندارم.

تحریم بانک مرکزی، به‌نوعی در سطح جهان بی‌سابقه بود. این تحریم‌ها چه تبعاتی به صورت کلی برای نظام بانکی و انتقال پول ما داشته است؟

بانک مرکزی، بانک دولت است و کشور ما هم کشوری متکی به درآمد نفت است. وزارت نفت باید درآمد حاصل از صادرات را طبق قانون به حساب بانک مرکزی نزد کارگزاران خارجی واریز کند. بانک مرکزی هم از آن محل، ارز را برمی‌داشت و ریال به دولت می‌داد. البته حالا شرایط کمی متفاوت است. مثلا وقتی ارزی را خریدار نفت شرکت ملی نفت ایران به حساب بانک مرکزی واریز می‌کند، بانک مرکزی باید این ارز وصول‌شده را با سه طرف تسویه کند. یک طرف دولت که ریال می‌گیرد. صندوق توسعه ملی ۲۰ درصد و خود وزارت نفت هم ۱۴.۵ درصد می‌گیرد. از طرف دیگر، حسب تکالیف محوله به بانک مرکزی، این منابع ارزی باید به واردکنندگان تخصیص یابد. این ارز از طریق سامانه‌هایی که وجود دارد، مدیریت و تخصیص داده می‌شود. وقتی این منابع را برخی از بانک‌های طراز اول نگیرند، طبیعتا بانک مرکزی مجبور می‌شود این منابع را نزد کارگزارانی بگذارد که ریسک آنها بالاتر بوده و هزینه بیشتری طلب می‌کرده‌اند. مهم‌ترین پیامد این بوده که بهای واردات افزایش پیدا می‌کرد و کالا برای مصرف‌کنندگان گران‌تر تمام می‌شد. این یک بحث است که باعث افزایش هزینه‌های واردات شده است. بحث دیگر این است که وقتی بانک مرکزی منابعی را در خارج از کشور دریافت می‌کند و سهم دولت را می‌دهد، بخشی از این منابع متعلق به بانک مرکزی خواهد بود که باید آن را مدیریت کند. بانک مرکزی باید این منابع را طوری سرمایه‌گذاری و مدیریت کند که بازده این منابع حداکثری شود که منافع این نوع سرمایه‌گذاری هم متعلق به کشور است. قطعا وقتی بانک مرکزی کارگزاری ندارد یا کارگزاران کمتر و پرریسکی دارد، گزینه‌ها برای سرمایه‌گذاری و مدیریت ذخایر ارزی محدودتر و بازدهی این منابع کمتر می‌شود. در واقع گران‌شدن نقل و انتقال ارز است که نهایتا با گران‌شدن کالای وارداتی، ضرر آن متوجه مصرف‌کننده خواهد شد. بحث دیگر هم این است که بانک مرکزی به‌عنوان نماینده دولت که باید این ذخایر را مدیریت کند، گزینه‌های کمتری برای سپرده‌گذاری، خرید اوراق قرضه و سرمایه‌گذاری محدودتر دارد و طبیعتا آن مدیریت بهینه‌ای که انتظار می‌رود بانک مرکزی در کسب سود حداکثری از سرمایه‌ها داشته باشد، قطعا اتفاق نخواهد افتاد.

بورس

بورس به مدار صعودی بازگشت

هسته اصلی معاملات در دست خودرویی‌ها

روزبه معین‌زاده . تحلیلگر بازارهای مالی

• دیروز بورس از ابتدای ساعت معاملات، روند مثبتی را در پیش گرفت، به‌طوری‌که شاخص قیمت ۳۴۹ واحد و شاخص کل ۹۱۹ واحد افزایش یافت. این در حالی است که با وجود جمع‌آوری مقدار زیادی از سهام روی میز در روز یکشنبه، فشار صف فروش همچنان در پایان معاملات روز یکشنبه حس می‌شد و به نظر نمی‌رسید دیروز، بازار به یکباره در ساعات اولیه شروعی مثبت داشته باشد. اگرچه هسته اصلی معاملات به صنعت خودرو اختصاص داشت؛ اما دیروز از صنایع معدنی سنگ آهن و فولادی استقبال شد، به‌طوری‌که سرمایه‌گذاری امید با ارزش معاملات حدود ۴۸ میلیارد تومان، رتبه اول را به خود اختصاص داد و شرکت گل‌گهر هم با حجم ۲۶ میلیارد تومان در رتبه سوم بازار قرار گرفت. ایران‌خودرودیزل که چند روز با صف فروش سنگین همراه بود، بالاخره با جمع‌آوری صف فروش تقریبا متعادل شد و با حجم ۳۶ میلیارد تومان معامله توانست رتبه دوم را تصاحب کند. همچنین صنعت خودرو با معامله ۹۹ میلیارد تومان رتبه اول را به دست آورد. گروه چندرشته‌ای صنعتی با ۴۹ میلیارد تومان در رتبه دوم قرار گرفت. سرمایه‌گذاری سایپا قرار است از محل سود انباشته به ۷۵ درصد افزایش سرمایه دهد. دیروز با توجه به انتقال نماد معاملاتی شرکت گروه پتروشیمی سرمایه‌گذاری ایرانیان از بازار دوم فرابورس، به بازار معاملاتی شرکت بورس تهران، نماد معاملاتی مذکور در پایان بازار متوقف شد. نحوه بازگشایی دوباره این نماد توسط معاونت بازار اطلاع‌رسانی خواهد شد. نماد معاملاتی شرکت‌های سیمان دورود با توجه به اعلام پیش‌بینی درآمد هر سهم سال مالی ۹۵ و سیمان مازندران با توجه به ارائه صورت‌های مالی حسابرسی‌نشده سال ۹۴ بازگشایی شدند. شرکت سیمان دورود سود هر سهم سال ۹۵ را با ۲۸ ریال زیان اعلام و سود سال ۹۴ را ۱۸۴ ریال زیان پیش‌بینی کرد. به نظر می‌رسد این شرکت با مشکل فروش سیمان و عرضه بیش‌ازحد آن در استان مواجه است، چراکه با وجود کارخانه‌های جدید در استانهای مجاور مانند نهاوند و هگمتان در همدان و دو کارخانه بزرگ در کرمانشاه و سیمان ایلام با طرح توسعه جدید، شرکت تقریبا با ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت می‌کند. با بازگشایی نماد سیمان دورود، قیمت سهم پنج درصد کاهش یافت. سیمان مازندران هم سود ۱۲۰ تومانی هر سهم سال ۹۴ را به ۵۰ تومان کاهش داد. شرکت سود سال آینده را ۱۰۴ تومان به‌ازای هر سهم ارزیابی کرد. این شرکت با توجه به نزدیکی به بندر امیرآباد از توانایی صادراتی بالایی برخوردار است؛ اما از طرفی کشورهای حاشیه خزر به‌خاطر کاهش قیمت نفت شرایط اقتصادی مناسبی ندارند به‌طوری‌که صادرات شرکت از ۵۴۰ هزار تن به ۲۰۰ هزار تن کاهش یافت. به همین دلیل سیمان مازندران با وجود موقعیت‌های فروش مناسب در سال های قبل، در سال ۹۴ با بحران فروش مواجه بود. در پایان معاملات دیروز نماد سیمان هگمتان برای مجمع سالانه، متوقف شد. شرکت توانست ۳۶۱ ریال سود به‌ازای هر سهم محقق کند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۸۴۳۵,۴	۹۱۹,۱۹
شاخص قیمت	۲۹۸۲۰,۷	۳۴۹,۵۰
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۳۴۴۳,۴	۱۷۷,۳۰
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۱۱۲۶۲,۱	۱۴۸,۵۰
آزاد شناور	۸۹۰۹۷,۸	۱۴۱۵,۸۹
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۶۱,۶	۳۹,۰۰

ارز و طلا

ارز و طلا در بی‌خبری محض

• **شرق:** بعد از سکته در بازار ارز داخلی، بازار طلا هم با سکته مواجه شد. تغییر در قیمت اونس جهانی طلا تنها امید بازار طلای داخل برای نوسان بود که آن هم با سکون طلای جهانی تبدیل به ناامیدی شد.اما خبرهای منتشرشده حکایت از افزایش احتمالی قیمت طلا در جهان دارند. هرچند در نظرسنجی ابتدای سال ۲۰۱۶ میلادی ۹۲ درصد سرمایه‌گذاران بین‌المللی و کارشناسان اقتصادی به افزایش نرخ بهره فدرال رزرو آمریکا رأی داده بودند اما این رقم در تازه‌ترین نظرسنجی‌ها به کمتر از ۵۰ درصد رسیده است.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۶۳	-۵
یورو	۳۹۳۵	+۱۰
پوند	۴۹۳۰	-۱۵
درهم	۹۴۹	-۱

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱۰۲۸۰۰۰	-
طرح قدیم	۱۰۲۷۰۰۰	-
نیم	۵۴۳۰۰۰	-۱۰۰۰
ربع	۲۸۹۰۰۰	-۱۰۰۰
گرمی	۱۹۳۰۰۰	+۱۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۰۴۷۰۰	-۲۰۰
اونس (دلار)	۱۲۳۴.۹	-۰,۲